

همراهی دین و علم (الاهیات عملی) در حل چالش های خانواده

منصوره حسینی

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی راهکارهای مواجهه خانواده دین دار با چالش هایی است که دنیای مدرن ایجاد کرده است. خصوصیت مهم جامعه مدرن عقلانیت و خردگرایی است؛ و این عقلانیت از نظر ماکس وبر عقلانیت ابزاری است. عقلانیتی که بی اعتماد به سنت ها و شرایع دینی در جامعه سازی و اعتقاد به خود بسندگی انسان است. می خواهیم بدانیم فرد دینداری که در پی بهره مندی از پیشرفت های دنیای مدرن در چارچوب دین است چه تدبیری باید بیندیشد؟

مسیحیت کاتولیک برای این منظور به "الاهیات عملی" روی آورده است. الاهیات عملی به نظریاتی پیرامون روابط انسان و افعال آزادانه او نسبت به خدا می پردازد و از وسایلی سخن می گوید که خدا برای دستیابی به آن هدف در اختیار آدمی قرار داده است؛ در حوزه اسلامی می توان اخلاق و فقه را با شرایطی حیطه الاهیات عملی در اسلام معرفی کرد و با توسل به این روش از معضلاتی که دنیای مدرن، دینداران را با آن مواجه می کند عبور نمود. رویکرد این الاهیات، فلسفی است پس، گریزی از عقلانی کردن قواعد اخلاقی و فقهی نیست. ما در این نوع الاهیات ملزم به استفاده از علوم چون پزشکی، روانشناسی و جامعه شناسی ... هستیم. فایده این الاهیات شامل اصلاح بعضی فتاوا، بالا بردن قدرت تشریح و تبیین احکام و راههای تحقق بخشیدن به آرمان های دینی است.

کلیدواژه ها: الاهیات عملی، چالشهای مدرن خانواده، فقه، مقاصد الشریعه، علوم تجربی.

مقدمه

زمانی که کلیسا نتوانست به همه نیازهای دینی پاسخ دهد، از سوی بسیاری و حتی مومنان به خود، مورد تردید و پرسش قرار گرفت. بسیاری از مومنان کلیسا را به کلی ترک گفتند. درحقیقت با گذشت زمان، صنعتی شدن، شهری شدن جامعه و سکولاریزه شدن فرهنگ، فعالیت های اجتماعی کلیسا محدودتر و این مرکز دینی به تدریج منزوی تر شد. الاهیات عملی در واکنش به همین فرایند و در مقابل سکولاریزاسیون ظاهر گردید تا در مورد ناکارآمدی فکری و دینی الاهیات مسیحی اندیشه کرده و راهی برای پاسخ گویی آن در متن زندگی مردم بیابد. به دیگر بیان، وضعیت بحران دین و ایمان در شرایط مدرن، الاهی دانان مسیحی را وادار نموده است که افزون بر توجه و تاکید بر عقاید و آداب دینی و تعلیم راه دینداری به مسیحیان، راه های عینی و عملیاتی در رویارویی با معضلات جامعه معاصر را نیز پیش پای مومنان مسیحی قرار داده و آنها را در حل مسایل مختلف مانند مسایل مربوط به خانواده یاری رسانند. (بابایی، ۱۱۰، ۱۳۹۰)

در مقاله حاضر امکان بهره مندی از روش مذکور در حوزه اسلام بررسی می شود؛ و به این سوال پرداخته خواهد شد که حوزه الاهیات عملی در اسلام شامل کدام یک از موضوعات است؟ همچنین به برخی چالشهای خانواده می پردازیم؛ تردیدی نیست که در این جا برای هر یک از چالشهای مطرح شده نمی توان راه حل مشخص و تفکیک شده ای ارائه داد، زیرا همچنان که بیان خواهد شد این کار در حوزه اندیشه ورزی الاهیدان عملی است؛ ما صرفاً در صدد بیان معضلات پیش روی خانواده هستیم و امیدواریم با تربیت اندیشمندانی بهره مند از معرفت دینی و علوم جدید، به حل این چالشها پرداخته شود. دینداران با این روش نیازمند عقلانی کردن دستورات دینی اعم از اخلاقی و فقهی می باشند. هدف آرمانی این بحث طرح یک نظام فقهی اخلاقی موفق در مواجهه با چالش های جدید است. روش تحقیق، کتابخانه ای، توصیفی تحلیلی می باشد.

مفهوم شناسی الاهیات عملی

اصطلاح الاهیات عملی ابتدا به صورت الاهیات اخلاقی بروز یافته است. الاهیات اخلاقی (Moral Theology) نامی است که متالهان کاتولیک غالباً آن را بر اطلاق الاهیات مسیحی بر رفتار اخلاقی انسان نهاده اند. پروتستانها عموماً اصطلاح اخلاق مسیحی را به کار می برند. (هاروی، ۱۶۰، ۱۳۹۰)

الاهیات اخلاقی در مراحل اول صرفاً به مسائل اخلاقی مانند گناهان کبیره و صغیره می پرداخت اما با گذشت زمان جایگاهی شد برای بررسی و ارزیابی اعتقاد، سنت و سیره مذهبی که پاسخگوی سوالات و اقدامات دینی است. این گفتمان در حال غنی شدن است و به شکلی روشنفکرانه و انتقادی در حال دگرگونی است. (pattison, ۲۰۰۷: ۱۱)

الاهیات عملی، امروز وارد عرصه های تحقیقاتی متعدد و متفاوتی شده است و مقوله الاهیات را به منزله یک کل در هم آمیخته با زندگی و حیات امروزمین بشر می بیند. در سال های اخیر، الاهیات عملی به موضوعات مختلفی مانند هویت اجتماعی دینی، خانواده، سوء استفاده از کودکان و دیگر معضلات موجود در دنیای جدید پرداخته و آنها را از منظر الاهیاتی مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. بر این اساس قلمرو الاهیات عملی "شبکه زندگی انسان" است و نه صرفاً "نهادهای دینی". از این رو به جرات می توان گفت دامنه الاهیات عملی نامحدود است و هر موضوعی را که مرتبط با دغدغه های دینی و انسانی معاصر در ساحت عمل باشد، در کنار موضوعات دینی، اخلاقی و معنوی در بر می گیرد. با این توضیحات، تعریف الاهیات عملی بسیار دشوار می شود؛ چرا که این رشته در حال تحول است و از روش های گوناگونی بهره می گیرد. شاید جامع ترین تعریف از این نوع الاهیات را جیمز وود^۱ و همکارش استفن پاتیسون^۲ ارائه کرده باشند:

"الاهیات عملی به حوزه ای از مطالعات گفته می شود که در آن باورها، سنت ها و رفتارهای دینی با تجربیات، دغدغه ها و رفتارهای معاصر انسانی تلاقی یافته و حاصل آن غنای الاهیاتی، نقد علمی و تحول فرهنگی است".

بسیاری از متالهان، از رهگذر الاهیات عملی در صددند زندگی ایمانی خود را در دنیای سکولار ممکن ساخته و هویت دینی خویش را در متن فرهنگ غیر متعهد به دین حفظ نمایند، اما منطق عملی در این الاهیات نه تنها از

^۱ - James woodward

^۲ - Stephen Pattison

ظرفیت بررسی موانع زندگی ایمانی در عصر جدید برخوردار است بلکه گنجایش فراوانی در پرداختن به معضلات انسان معاصر داشته و می تواند دین را توسعه بخشیده و آن را در تدبیر و مدیریت زندگی این جهانی انسان معاصر وارد نماید. (بابایی، ۱۳۹۰: ۱۱۴)

الاهیات عملی در اسلام

پس از بحث درباره الاهیات عملی در حوزه مسیحیت اکنون این سوال مطرح می شود که آیا می توان در حوزه اسلام نیز به بررسی الاهیات عملی پرداخت؟

اگر الاهیات مذکور را مجموعه نظریاتی پیرامون روابط انسان و افعال آزادانه وی نسبت به خدا و غایت مابعدالطبیعی بدانیم و بپذیریم که این مجموعه از وسایلی سخن می گوید که خدا برای دستیابی به آن هدف در اختیار بشر قرار داده است؛ همچنین اگر افعال ظاهری یک مسلمان را موضوع فقه و افعال باطنی را موضوع اخلاق بدانیم، هم فقه و هم اخلاق را به همراه شروطی می توان حیطه الاهیات عملی در اسلام به حساب آورد. آنچه در الاهیات عملی حائز اهمیت است این است که ما در پی راهنمایی دین برای زندگی فردی و اجتماعی انسان هستیم و البته فقط به قرآن یا حدیث استناد نمی کنیم. در این مسیر باید متن را بازخوانی و باز اندیشی کرد. بدون فهم و تبیین عقلانی، بحث یا فقهی صرف است و یا اخلاق توصیفی. در اخلاق توصیفی از مطالعه و تحقیق میدانی برای دستیابی به توصیف و تبیین اخلاق فردی، جوامع، ادیان و گروه های مختلف استفاده می شود که روش آن توصیفی، تجربی و نقلی است نه عقلی و استدلالی. اما اخلاقی که در الاهیات عملی مورد نظر است اخلاقی است که در آن از مبانی فلسفه اخلاق نیز بهره برده می شود. در واقع فلسفه اخلاق از مبادی تصدیقیه و تصویری علم اخلاق بحث می کند. بعضی از این مبادی مانند بحث حسن و قبح در کتابهای کلامی و گاهی در کتابهای اصولی هم مطرح شده است. ولی اینکه به عنوان فلسفه اخلاق یا مبادی علم اخلاق تفصیلاً در این باره بحث شود در کتابهای اخلاقی ما معمولاً بحث مفصلی در این زمینه ها وجود ندارد. (مصباح، ۱۳۷۶: ۱۰ و ۱۱ و ۱۲) دلیل اهمیت فلسفه اخلاق در اینجا دفاع از آموزه های اخلاقی و پاسخ گویی به شبهات مطرح شده درباره مفاهیم، مبانی و مسایل اخلاقی است به ویژه که با پیچیده تر شدن روابط انسانی در جوامع بشری، مسایل جدیدی پدید می آید که پاسخ آنها را باید به کمک فلسفه اخلاق بدست آورد.

مباحث فقهی نیز اگر در الاهیات عملی مطرح می شود باید علاوه بر مشخص نمودن افعال ظاهری مکلف به دنبال تبیین عقلانی آن نیز باشد. شریعت و عقلانیت بدون این که ناقض هم باشند مؤید همدیگر بوده و نسبت

آن دو بر تقدم و تأخر نیست. نسبت آن دو بر اساس لازم و ملزوم بودن است تا جایی که یکی بدون دیگری قابل تصور نمی‌باشد. اگر چه در ظاهر نقل در مقابل عقل قرار گرفته ولی این عقل است که در پرتو آن نقل به فهم در می‌آید. به عبارت دیگر می‌توان گفت هیچ نقلی نیست مگر اینکه عقل در فهم آن دخالت کرده و از این طریق به ظهور و بروز رسیده است. به این ترتیب حتی آنها که در مقابل نقل سر تسلیم فرود می‌آورند نیازمند عقل بوده و نمی‌توانند از آن بر کنار باشند. ممکن است گفته شود دستورات و اوامر الهی در مرحله ما فوق عقل قرار دارد و چون از حیث مرتبه بالاتر از عقل است خالص و ناب باقی می‌ماند و هرگز با عقل مخلوط نمی‌گردد در پاسخ می‌گوییم این اوامر و دستورات همواره به صورت کلام ظاهر شده و فهم آن کلمات جز در پرتو عقل و نظر میسر نمی‌باشد. به این ترتیب هر گونه برخورد با نقلیات و اموری که از طریق سمع پذیرفته می‌شود با نوعی فهم و استدلال همراه است. معنی این سخن آن است که تسلیم شدن در مقابل امر منقول هرگز به معنی این نیست که انسان از فهم معقول آن بی‌نیاز است. (دینانی، ۱۳۷۷: ۶۱)

اکنون از راههایی سخن خواهیم گفت که با توسل به آنها می‌توان مسائل فقهی مرتبط با موضوع خانواده را به روز و عملیاتی کرد.

مقاصد الشریعه: در کتاب‌هایی که به عنوان مقاصد الشریعه نوشته می‌شوند عموماً به بررسی میراث فقهی و لزوم بازنگری و از همه مهمتر ارائه راهکارهای بازاندیشی و بازخوانی این میراث می‌پردازند. در این کتاب‌ها میان وحی و میراث دینی تفاوت قائل می‌شوند. زیرا منظور از بازاندیشی میراث فکری مسلمانان در گذشته، فهم آنان از دین و وحی است و نه خود وحی. چرا که خود وحی و سنت ثابت پیامبر (ص)، امری غیر قابل تغییر است. (الطایبی، ۱۳۷۹: ۱۳۸)

به هر حال علم فقه به تنهایی دغدغه این را ندارد که وجه عقلانی اعمال را تشریح کند. در فقه تکلیفی که لازم الاجرا است مشخص می‌شود. البته در این علم ظرفیت چنین کاری نیز وجود دارد زیرا فقها عقل را به عنوان یک منبع پذیرفته‌اند. اما در الاهیات عملی نمی‌توان دغدغه مفهوم کردن و معقول کردن را نادیده گرفت که البته خود امر مشکلی است. پس آنچه در الاهیات عملی انجام می‌دهیم "نگریستن به متن دین برای فهم ابعاد ارزش شناسانه آن و تلاش برای سامان مند کردن آموزه‌های عملی دین و تبیین عقلانی آنها به مقدار وسع و توان انسان" است. نقطه ثقل تفکر در این الاهیات متن وحی و روایات اسلامی است، اما عقل هم به مثابه منبع معرفتی و هم به مثابه عنصر اصلی برای تبیین و توجیه دعاوی دینی مهم است. در الاهیات عملی لازم نیست با

هر مسئله جداگانه درگیر شد و جواب داد بلکه باید مبانی و مسایل و اصول را اصلاح کرد. ما شاید نتوانیم با دلایل برهانی از تمام فرامین اخلاقی و فقهی اسلام دفاع کنیم ولی قطعاً درباره کلیت این سیستم می توان بحث و دفاع کرد.

شیعیان در این رابطه بیشتر توجه خود را به مبحث مستقلات عقلیه در حقوق اسلامی مبذول داشته اند که می توان گفت جانشین حقوق فطری و طبیعی در حقوق اروپایی است. در کتابهای کلامی شیعه از جمله کشف المراد به این بحث پرداخته شده است. در این کتاب وقتی به مسئله افعال خداوند می رسیم برای اثبات حسن و قبح عقلی دلایل متعددی ذکر شده است. برای مثال در این کتاب دلیل وجود حسن و قبح عقلی را، درک عقل از، خوبی و بدی بعضی افعال می داند و همچنین می نویسد که اگر حسن و قبح فقط شرعی باشد فهم حسن و قبح عقلی و شرعی هر دو منتفی است. زیرا اگر فقط خداوند است که امر به راستگویی می کند ما از کجا تشخیص می دهیم که راستگویی کار خوبی است که خداوند به آن امر می کند. (طوسی، ۱۳۶۷: ۴۲۳) متکلمان شیعی مانند خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی بر این باورند که در حسن و قبح اخلاقی عقل نقش دارد و نمی توان آن را از ابتکارات شرع و یا چیز دیگری دانست، بلکه این عقل است که عدل را به نیکویی و ظلم را به زشتی محکوم می کند و در این حکم خود هیچ گاه نیاز به استمداد از منابع دیگری ندارد. این نوع قضایا مستقلات عقلیه نامیده می شود، به این معنا که عقل در درک و تصدیق آنها مستقل است و از تعلیم امر خارج بی نیاز می باشد. از این رو وقتی تصویری از عدل و نیز تصویری از حسن و درک رابطه بین آن دو (العدل حسن) صورت گیرد تصدیق به مسئله به دست می آید و نیازی به برهان خارج از چهارچوب به این قضیه وجود ندارد. (رمضانی، ۱۳۸۷: ۲۹۴) فلسفه فقه نیز علمی است که در آن به بررسی تلاشهای گسترده ای اختصاص دارد که دسته ای از فقها، آگاهان و محققین نخبه، برای شفاف کردن دیدگاهها و تلاشهای روشمندی که در پی باز اندیشی و بازنگری در روش تقلیدی (سنتی) و ارائه نظرگاههای نوین درباره آن پرداخته اند؛ نظرگاههایی که خواستار افزایش بدیل‌های روشمندی است که با ضرورتها مبرم همگامی، همنوایی و همسویی داشته باشد و بکوشد به هجومها و یورشهای برنامه ریزی شده ای که طرح فقهی موجود را نشانه گرفته است پاسخ دهد. (الطایی، ۱۳۷۹: ۱۴۰)

این علم به فقیه نگاه نقادانه عطا می کند و در کشف کاستی ها و راه حل آن به او مدد می رساند؛ زیرا فلسفه فقه مقایسه ای بین فقه موجود و فقه بایسته انجام می دهد و به کشف چالش ها و کاستی ها می پردازد. از نظر

برخی نیز فلسفه فقه مجموعه تاملات نظری و تحلیلی در باب علم فقه است. و فلسفه فقهی را موثر می داند که نه تاریخی بلکه کنونی باشد و به صورت معیاری و هنجاری مطرح شود. شاهرودی فلسفه فقه را دانشی می داند که می خواهد در چند مرحله فقه را به طور منسجم و کلی بشناسد به طوری که بتواند با این شناخت، خط سیر و حدود و ثغور و همه مقومات داخلی و غایات و مبادی و خصوصیاتش را مبین سازد و علاوه بر آن بتواند در تفکیک و تحلیل ضوابط استنباطی از موقعیت ناظر تحقیق کند. (عابدی شاهرودی و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۰ و ۱۸)

با نگاه به شرایط عصر حاضر که مسائل متنوع و به لحاظ مصادیق بسیار گسترده و پیچیده شده اند و برای اظهار نظر در هر باب به اطلاعات گسترده و انجام تحقیقات اساسی نیاز است چنان که در اموری مانند مسائل پزشکی، سیاسی، بانکداری و تجارت الکترونیک و بازارهای مجازی و صدها عنوان دیگر که تخصص در همه آنها برای یک فرد تقریباً امری غیرممکن است و با رویه اجتهاد اصطلاحی متعارف توان پاسخگویی به این همه مسائل مقدور نیست اندیشمندان اسلامی، راهکارهای مختلفی را پیشنهاد کرده اند که در آن میان بحث تجزی در اجتهاد از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از دلایل عقلی که می توان برای تجزی در اجتهاد بهره برد شامل: ۱- ابواب فقه از نظر مدرک و سند تفاوت دارند، بعضی مدارک آسان و واضحی دارند و مدارک بعضی پیچیده و سخت می باشد. همین امر موجب می شود که گاهی فردی نسبت به بعضی ابواب فقه قدرت استنباط پیدا کند اما نسبت به بعضی دیگر این قدرت را نداشته باشد. ۲- اشخاص از نظر مهارت و درک مدرک و سند احکام مختلف هستند. فردی ممکن است در مسائل و احکام نقلی و مستند به اخبار و روایات مهارت کامل داشته باشد اما در مباحث عقلی دارای این مهارت نباشد و گاهی هم عکس است. ۳- حصول درجه اجتهاد امری تدریجی است نه دفعی. یعنی مجتهد مطلق قبل از آنکه به اجتهاد مطلق برسد باید ابتدا مجتهد متجزی باشد. و وقتی مجتهد متجزی به دلایل و مستندات احکام اطلاع و آگاهی حاصل کند با مجتهد مطلق در آن مسئله برابر خواهد بود. ۴- همچنین اگر تجزی اجتهاد جایز نباشد لازم می آید که مجتهد به تمام ماخذ و منابع آگاهی داشته باشد و این محال است زیرا از بسیاری مجتهدان استفادهایی شده که به آنها جواب نداده اند و سکوت کرده اند. در حالی که همه آنها بالاتفاق در شمار مجتهدین هستند (سالار زانی و فتوحی، ۱۳۸۹: ۳۲ و ۳۱ و ۳۳)

روش الاهیات عملی

اکنون که الاهیات عملی در حوزه اسلام مورد بررسی قرار گرفت می پرسیم روش الاهیدان عملی چیست؟
و او چه وظایفی برعهده دارد؟

روش الاهیدان عملی در مراحل اولیه کمی و تجربی است. رویکرد علوم جدید در دوره رنسانس یعنی از قرن شانزده با مطالعات گالیله، نیوتن، بیکن و دیگران چارچوب کمی و تجربی را بر همه علوم تحمیل کرده است. آذربایجانی و موسوی اصل، (۱۳۹۴، ۱۱۱) به همین دلیل الاهیدان عملی در نخستین گام به جمع آوری اطلاعات می پردازد تا بدین طریق رخدادهای ویژه را وضعیت شناسی کرده و چارچوب و فرآیند شکل گیری هریک را به درستی فهم نماید. در این مرحله "در خیابان و با مردم بودن" سیر و سلوک الاهیدان عملی است. او وظیفه دارد با متن جامعه در ارتباط باشد تا حقایق و مشکلات جامعه را لمس کند و نه اینکه به خواندن گزارشات بسنده کند. در گام بعد الاهیدان عملی با استفاده از نظریه های علمی در صدد توضیح و تفسیر چرایی این رخداد بر می آید. الاهیدان باید در این مرحله به گفتگو با روانشناسان، جامعه شناسان و اندیشمندان علوم تربیتی و... بپردازد تا از نظرات ایشان برای حل معضل آگاه شود. برای مثال امروزه در روانشناسی تخصص جدیدی به نام خانواده درمانی بوجود آمده است. ظهور رسمی آن از دهه های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ بر می گردد. در این نوع درمان به آموزش، پیشگیری و درمان برای کمک به مشکلات خانواده ها اقدام می کند. برای حل مشکل خانواده یا یکی از اعضا آن یا کل سیستم خانواده مورد توجه قرار می گیرد و تلاش می شود علل بروز و عوامل تشدید کننده مشکل در داخل خانواده و در نوع روابط اعضا با یکدیگر مورد بررسی قرار گیرد. این شیوه از درمان مبتنی بر رویکرد سیستمهاست و معتقد است زمانی می توان به رفع یک مشکل نائل شد که از نیروی تک تک اعضا استفاده شود تا عوامل تنش زا را مرتفع ساخت. روان شناسی علم تحقیق در رفتار موجودات زنده بخصوص رفتار بشر می باشد. به همین جهت از چندی روان شناسان علاقه شدیدی نسبت به مشکلات علمی که برای افراد پیش می آید و راه حل هایی که می توان برای آنها پیشنهاد کرد پیدا نموده اند. هدف روانشناسی علاوه بر پیشرفت علمی و صنفی بهبود بخشیدن به زندگی انسان نیز می باشد. (بنی سی ، دلفان آذری، ۱۳۸۷: ۱۰۳) الاهیدان عملی پس از بررسی نظرات روانشناسان و دیگر علوم مرتبط در گام سوم با استفاده از مفاهیم الاهیاتی تلاش می کند رخدادهای و وضعیت های خاص را تفسیر کرده و بر اساس اصول و ضوابط دینی پاسخی برای آنها بیابد. در این مرحله الاهیات در عین تاسیس برخی از اصول اخلاقی از تمرینات و رفتارهای اخلاقی نیز در توسعه و بالندگی دستگاه الاهیاتی بهره می گیرد. چهارم، الاهیات عملی استراتژی های رفتاری برای

اثرگذاری بر وضعیت موجود را تعریف کرده و آنگاه با برقرار ساختن ارتباطی فعال با بازتاب ها و پیامدهای این استراتژی ها در حوزه عمل به نقد و ارزیابی استراتژی های محقق پرداخته تا در گام بعد بتواند با دقت بیشتری دست به اقدام بزند (بابایی، ۱۳۹۰: ۱۱۸ و ۱۱۷) در حقیقت پس از گام دوم الاهدان باید از روشهای تحقیق علوم اسلامی بهره مند شود که شامل روش عقلی، نقلی، شهودی و روش ترکیبی می باشد. البته روش دیگری هم وجود دارد به نام روش عقلایی که مخصوص اصولیون می باشد. در این روش عقل، نقل، سیره عقلاء، عرف، اجماع و دلایل مختلف دیگر حضور دارند. با مهارت و مهندسی پیچیده و حساب شده ای ترکیب می شوند و محصولی می دهند که یا قاعده ی اصولی و یا حکم فقهی می باشد^۳ و در گام نهایی باید با جمع بندی اطلاعات راهکار عملی ارائه شود.

این دقت نظر در شناخت عوامل بوجود آورنده یک ناهنجاری در خانواده و جامعه، باعث می گردد راه حل هایی که ارائه می شود واقع بینانه تر و موفق تر باشند. اکنون به نمونه هایی از معضلات خانواده می پردازیم اما ما در صدد پاسخ به این مسائل نیستیم زیرا این همان کاری است که الاهدان عملی باید انجام دهد. در این مرحله مشکلات مذکور حلاجی و تجزیه و تحلیل می شوند و البته تشخیص آن که عقل کجا معیار و در کجا مصباح و در چه شرایطی مفتاح است اهمیت فراوان دارد.

بررسی چالشهای خانواده

اگر بخواهیم نمونه ای از معضلات خانواده مدرن را توضیح دهیم می توان از مهمترین آموزه های مدرنیسم و لیبرالیسم، انسان محوری و فرد گرایی را نام برد. فردگرایی عبارت است از آیین یا اصول اخلاقی که منافع و علایق خود فرد را در تعیین رهبری جامعه و ارزشهای اخلاقی، حقوق و تکالیف افراد آن، برتر از جمع می شمارد و کل اجتماعی را فاقد ارزش یا اهمیت اخلاقی می داند. بر اساس این آیین که در حوزه اقتصاد، سیاست، حقوق، هنر و ادبیات و فلسفه خودنمایی می کند، هدف اصلی عمده، ارتقاء رفاه مادی و هدف عمده قانون اخلاقی، تکامل هویت و سیرت فردی است. (رحمت پور، ۱۳۷۰: ۱۹۸) انسان محوری نیز تحول عمیقی بود که در حوزه معرفت شناسی مدرنیته رخ داد. تاکید بر عقل و توانایی شگرف او در کشف حقایق هستی بود که با ظهور علوم تجربی و گسترش دامنه های آن صورت گرفت اما در ادامه با تفسیر عقل به فهم مستقلی که

مقاله روش های تحقیق علوم اسلامی. www.hawzah.net -^۳

انسان بدون هدایت وحی در می یابد، رویکردهای ذهن گروانه که مشخصه آنها معیار قرار دادن انسان برای اندازه گیری هر چیزی بود باز شد. (جوادی، ۱۳۸۷: ۴۹ و ۵۰)

به همین دلیل انتظارات برای خوش بختی شخصی بیشتر شده و با نگرانی برای خانواده هایی، که بیشتر سنتی بوده اند، همراه شده است. در عین حال، خانواده علاوه بر کارکرد سنتی اش مانند مراقبت از کودکان، تأمین اقتصادی و برآوردن نیازهای عاطفی اعضای خود، کانون توقعاتی مانند ارضای جنسی، صمیمیت و مصاحبت بوده است. امروزه طیف گسترده ای از هنجارهای خانواده، که طی دهه ۱۹۵۰ و اوایل ۱۹۶۰ غالب بودند، دیگر به طور وسیع پذیرفته نیستند. طلاق دیگر مانند گذشته، شرم آور نیست. اکثریت عظیمی از عموم مردم اکنون منکر این نظر هستند که زوج ناراضی از زناشویی باید به خاطر فرزندانشان به زندگی ادامه دهند. به همین شکل، دیدگاه قدیمی تر، که هر کس ازدواج را منکر شود بیمار، عصبی یا غیر اخلاقی است، به شدت رد شده؛ چنان که این عقیده که افراد بدون فرزند خودخواهند رد شده است. نظر سنجی ها نشان می دهند که بیشتر آمریکاییان دیگر معتقد نیستند زنی که شوهری برای حمایت از خود دارد نباید کار کند، و اینکه دختر وقتی ازدواج می کند باید باکره باشد، یا اینکه رابطه جنسی پیش از ازدواج غلط است. رشد اقتصادی نقش مهمی در ظهور دیدگاه جدید ایفا کرده است. زوجی که در دهه های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ ازدواج می کردند سال های اوایل کودکی خود را در سختی گذرانده بودند و آرزوهای نسبتاً ساده ای داشتند؛ اما کسانی که در دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، زمانی که میزان مولید کم شده بود به دنیا آمدند، با رقابت اندکی برای شغل در زمان بلوغشان مواجه شدند و از امنیت اقتصادی کافی برای ازدواج و بچه دار شدن در سنین جوانی برخوردار بودند. اما فرزندان آنها، که در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بالغ می شدند، کودکی خود را در عصر رشد بی سابقه ای گذرانده بودند. بین دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰ متوسط درآمد خانواده ها سه برابر شد و افزایش ثروت افزایش در فرصت های آموزش، مسافرت و فراغت را موجب گردید که همه آنها به بالا رفتن انتظارات ارضای خود کمک کردند. بعکس والدینشان، آنها انتظارات چشمگیری برای رفاه مادی و عاطفی خود داشتند. (مینتز و کلوگ، ۱۳۸۶: ۶۵ و ۶۶)

مادیگرایی

مادیگرایی در جهان امروز بر زندگی زناشویی، تربیت فرزند و طلاق تاثیر به سزایی دارد. سوال الاهدان عملی این است؛ زمانی که تنها به مادیگرایی بها می دهیم کیفیت زندگی ما چگونه خواهد شد؟ پاسخی که با پژوهش

بدست می آید اینچنین است: هرگاه ارزش های مادیگرایانه در زندگی محوریت پیدا کند، و نه تنها پدر که مادر نیز به دنبال درآمد باشد کیفیت زندگی تنزل می یابد. یک حقیقت ساده وجود دارد؛ افرادی که در زندگی به طور دایم به دنبال کسب ثروت و مالکیت هستند، از سعادت روانشناختی پایین تری نسبت به افرادی که مادیات تمام هدف زندگی شان نیست، برخوردارند.

جامعه شناسان شش کارکرد اساسی را برای خانواده برشمرده اند که عبارتند از: تولید مثل، تامین پایگاه اجتماعی، تنظیم رفتار جنسی، حمایت و مراقبت، جامعه پذیری و عاطفه و همراهی. (کاوه، ۱۳۹۱: ۳۵۰) نیاز عاطفی و همراهی از آن دسته نیازهایی است که انسان تا پایان عمر به آن احتیاج دارد.

شواهد نشان می دهد که وقتی انسان با ارزش های مادی همساز و سازگار می شود، خوشی و سعادت کمتری را تجربه می کند؛ و در این حال است که به خوراک روانی انسان توجهی نمی شود. در این جوامع، پیام هایی که مدام از ما می خواهند فلان محصول را خریداری کنیم تا سلامت باشیم یا ایمنی منزل مان را حفظ کنیم تبلیغ می شود؛ و یا امروزه دختران به دنبال مهریه زیاد و خرج عروسی بالا و پسران به دنبال همسران شاغل و جهیزیه آنچنانی هستند. در این فرهنگ ها قهرمانان معمولاً افرادی خوش قیافه، ثروتمند و افرادی هستند که به عنوان انسان های موفق معرفی می شوند. اغلب مردم نیز در معرض پیام های مادیگرایانه ساطع از جامعه قرار می گیرند. بسیاری از این نیازها که در گذشته پاسخ درست نگرفته اند باعث می شوند که انسانها احساس خوشبختی و امنیت نکنند. هر یک از ما در زندگی تا حدی به دارایی، پول و ظاهر اهمیت می دهیم. اما در نگرش مادیگرایانه مالکیت و مادیات، پایه نظام ارزشی را بنا می کند. خانواده اولین محیط اجتماعی است که نخستین مکان برای تجربه احساس امنیت می باشد. وقتی خانواده ها در ارضای نیازهایی چون امنیت برای فرزندان ناتوان بمانند بسیاری از بچه ها خود را با سیستمهای ارزشی ای که تنها بر ثروت و دارایی تکیه دارند، هماهنگ می سازند. تحقیقات نشان می دهد نوجوانانی که تنها به موفقیت های مادی خود ارزش می نهند، نسبت به نوجوانانی که برای روابط خوب، خودباوری و همراهی با اجتماع ارزش قائلند، مادرانی دارند که کمتر در زمینه تربیتی کودکان خود سرمایه گذاری کرده اند. همچنین مطالعات نشان می دهد نوجوانان مادیگرا، اغلب در دامن والدینی پرورش یافته اند که به اندازه کافی به فرزندانشان برای رسیدن به امنیت، ارزش انسانی و بالندگی کمک نکرده اند و این احساس عدم امنیت در نوجوانان، خود را با میل شدید به تعلقات مادیگرایانه نشان داده است. فرزندان طلاق نیز که از محبت و تربیت کمتری برخوردار هستند به تعلقات مادی بیشتر رو

می آورند تا کمبود احساس ایمنی و امنیت را جبران کنند که البته چندان موثر نیست. (لوی و کسر. ۱۳۸۸: ۲۱۳ و ۲۱۲) ما به آسانی در می یابیم که تمامی این ناهنجاری ها معلول اصالت دادن به زندگی دنیوی و مادیات است که البته این نگاه نیازمند اصلاح می باشد.

تربیت کودکان

اندیشمندان علوم تربیتی و دینی به ما یادآور می شوند که اگر قرار است امروزه کودکی دیندار باشد باید اصولی در تربیت او رعایت شود. این اصول شامل مبانی اعتقادی و فکری، تجربه درونی، التزام درونی و عمل می باشد. اما چگونه می توان این اصول را اجرایی کرد؟ تربیت دینی موفق دارای مولفه هایی است که مهمترین آن "عقلانیت" است. در چنین شط عظیمی از سوال ها و تردیدها دین ورزی هنگامی دوام دارد که مدلل باشد. آشنایی دقیق با سوال های دوران جدید و تلاش برای تصحیح برداشت های نادرست دشواری تربیت دینی را آشکار می کند. وجود عقلانیت در اصول اعتقادی کاملاً روشن است. معلم واقعی دینی کسی است که خود را در معرض افکار گوناگون قرار دهد و عقلانیت آموزه های دینی را با نظر به آنها تبیین کند. اخلاق دینی نیز باید بر پایه های عقلانی استوار باشد، تا مسائل اخلاقی را از شکل نصایح ملال آور یا امر ونهی گریزاننده خارج کند. برای همین منظور در اخلاقیات می توان از مباحث حسن و قبح ذاتی و عقلی بهره برد. در عرصه اعتقادات هم مباحث مبسوطی با نام کلام اسلامی و فلسفه دین مطرح است. در عبادات و احکام دینی نیز جنبه عقلانیت بسیار تاثیر گذار است. در واقع هر یک از فروع دین با حکمتی روشن در متون دینی مطرح گردیده است. در این مرحله بحث درباره اهداف دین بسیار مثمر ثمر خواهد بود. دومین مولفه تربیت دینی موفق "تقوای حضور" به جای تقوی پرهیز می باشد. با نظر به خصیصه عصر حاضر و ظهور ارتباطات در شکلی که هر روز گسترده تر می شود، تقوای پرهیز در برخی قلمروها اساساً ناممکن می گردد. متربی در عین حضور در مکان، خود را در مرتبت و شان انسانی فراتر می بیند و به این طریق از آلودگی شرایط مصون می ماند. مفهوم تقوای حضور را می توان از آیه ۱۰۵ سوره مائده نیز برداشت کرد. در این آیه آمده است "ای کسانی که ایمان آورده اید، به خودتان پردازید. هر گاه شما هدایت یافتید، آن کسی که گمراه شده است به شما زیانی نمی رساند". در اصل مفهوم تربیت دینی حاکی از آن است که فرد از درون آغاز کند و فشار بیرونی چندان پر بها نیست. و باید اذعان کرد راه تربیت دینی رفتنی است نه بردنی، یعنی اولین مرحله خواست خود فرد است. سومین مولفه تربیت دینی، "ارزیابی، گزینش و طرد" است. این ویژگی، در واقع خود پشتمانه ای برای تقوای حضور در شرایط

عصر حاضر است. لازمه حضور غیر انفعالی، ارزیابی اطلاعات و رویدادهای اجتماعی است. طرد یکباره و تمام عیار هر آنچه متعلق به این دوران است نه تنها ممکن نیست، بلکه مطلوب هم نیست. تربیت دینی همواره باید پدیده های نوظهور عصر را مورد ارزیابی و نقادی منصفانه قرار دهد و افراد را برای گزینش و طرد آماده سازد (باقری، ۱۳۷۹: ۲۶ و ۲۷)

رابطه دختر و پسر

به اعتقاد کارشناسان، نخستین وظیفه هنجارهای اخلاقی یک جامعه تنظیم روابط بین دو جنس مرد و زن بر پایه های مناسب است و انسانی ترین عمل تنظیم این روابط، همان ازدواج است که منجر به تشکیل خانواده می شود و می توان آن را به عنوان اتحاد بین زن و مرد برای بهبود و پیشرفت آینده تعریف کرد.

در جوامع غربی و سایر جوامع غیر مسلمان ارتباط میان دو جنس مخالف به خود فرد سپرده شده و عواقب این آزادی ارتباط نیز در آمارهای ارایه شده از افزایش میزان طلاق، فرار کودکان و نوجوانان از خانه، بی بندوباری های اخلاقی و غیره کاملاً مشهود است. گروهی از کارشناسان تربیتی می گویند وقتی جوان عرصه را بر خود تنگ ببیند و نتواند خود را از نظر عاطفی و اخلاقی با محیط تطبیق دهد و مربیان، معلمان و برنامه ریزان نهادهای آموزشی و تربیتی نیز نتوانند به احساسات و تمایلات منطقی و احساس او پاسخ دهند، جوان سرخورده سعی می کند چیزهایی را که طی سالیان زندگی از او دریغ شده با هنجارشکنی به دست آورد. این در حالی است که ارزیابی های پژوهشگران علوم اجتماعی نشان داده است که اگر این گونه ارتباطات به عادت تبدیل شود دیگر چیزی به نام هسته یا کانون خانواده شکل نخواهد گرفت، زیرا سن ازدواج بالا می رود، افراد نسبت به هم بی اعتماد و بی تفاوت می شوند و در نهایت خانواده ای شکل نمی گیرد و به این ترتیب بسیاری از معضلات رفتاری و نابهنجاری های اخلاقی و حتی بهداشتی در جامعه گسترش خواهد یافت. از سویی دیگر در حال حاضر سن بلوغ پسران به سیزده سال و در مواردی حتی کم تر از آن رسیده است و چنانچه در بدبینانه ترین نگاه سن ازدواج پسران ۲۸ سال محسوب شود، ۱۵ سال فاصله تا فرصت ازدواج می تواند تبعات اجتماعی - روانی زیانباری را به همراه داشته باشد. سوال این است که فاصله موجود را چگونه باید پر کرد؟ آیا صرفاً با یک رابطه قانونی و مطابق عرف می توان این نیازها را پاسخ داد؟ در یکی از قدیمی ترین و سنتی ترین حالت های پذیرش نیز این رابطه صرفاً تحت کنترل و نظارت یکی از اعضای خانواده تا منتج شدن به ازدواج قابل قبول است. این راه حل ساده و کلیشه ای است. برآوردهای جامعه شناسی در کشور حاکی از عمیق تر

شدن روز به روز فاصله بلوغ تا سن ازدواج است. زندگی های پست مدرن، مد زدگی افراطی، دسترسی به هر نوع اطلاعات در اسرع وقت با کم ترین هزینه و حتی تغییر عادات غذایی و اقبال مردم این پی آمد را به همراه داشته است که فرزندان دچار جهش های ژنتیکی و بلوغ زود رس شوند. یکی از مهمترین مواردی که در زمینه تربیت اجتماعی باید در نظر داشت، آماده ساختن فرزندان برای رویارویی با جنس مخالف است. زیرا نه می توان فرزندان را طوری تربیت کرد که از هر فردی از جنس مخالف بگریزد و خود را در تاریک ترین نقطه خانه مخفی کند و نه او را به حال خود رها کرده منتظر پیش آمد روزگار نشست؛ بلکه باید از سال های اولیه زندگی فرزندان تصویر روشنی از نحوه برخورد با جنس مخالف برایشان ترسیم شود (کاوه ۱۳۹۱، ۹۷۱: ۲)

برخی از این مشکلات که ناشی از خانواده ها است عبارتند از: برداشت نادرست از شرع و محدود ساختن مطلق نوجوان در برخورد با جنس مخالف، عدم آموزش در مورد وضعیت و واقعیت جنس مخالف، القاء افراط در رفتار اجتماعی و برخورد با جنس مخالف، سخت گیری و خشونت نسبت به نوجوان، سخت گیری در مورد ازدواج، عدم آموزش حدود شرعی در مورد محرم و نامحرم و یا حلال و حرام و غیرتی بودن افراطی برخی از برادران و پدران در خانواده، فقدان جو تفاهم و گفت و شنود در مورد مسائل گوناگون بین والدین و نوجوان. اگر این جو بین والدین و نوجوان وجود داشته باشد در بین گفت و گوهای صمیمی می توان آثار و پیامدهای اینگونه دوستی ها را به آنان یادآور شد. بررسی ها نشان داده اند که اغلب دوستی های خیابانی منجر به ازدواج نمی شود و اگر هم در برخی از این موارد این اتفاق بیفتد، طبق آمارهای موجود بیش از نیمی از آنها در سال های ابتدایی زندگی از هم می پاشد. ضمن آنکه شواهد نشان می دهد ۴۰ درصد تجاوز به عنف ها در اثر دوستی های خیابانی و پنهانی با وعده ازدواج رخ می دهد و روابط پنهانی پسران و دختران از موضوعات قابل تاملی است که جرائم گوناگون از جمله قتل، آدم ربایی، اخاذی و تجاوز به عنف در این شرایط به راحتی شکل می گیرد. در مقابل عده ای از دختران و پسران با شناخت واقعی از یکدیگر و به دور از تخیلات و رویاهای غیر واقعی با یکدیگر روبرو می شوند. آن ها یک نگاه از جنس مخالف را به عشق تعبیر نمی کنند و آن را در ذهن خود و در رویاهای خویش نمی پروراند. آنان در برخورد با مردان و زنان فامیل یا غیره بسیار با وقار و سنگین برخورد می کنند و در عین پرس و جو از احوال یکدیگر و پاسخ گویی به پرسش های آنان، دچار افراط در خنده و شوخی نمی شوند. برای چنین افرادی ارتباط پنهانی در خارج خانه با جنس مخالف معنایی ندارد؛ زیرا از یک سو به حد کافی راجع به جنس مخالف مطلب می دانند و از سویی دیگر می دانند که خانواده و

جامعه نیز برای برقراری روابط نزدیک و صمیمی بین دو جنس برنامه ای دارد و آن را از طریق ازدواج و فراهم آوردن شرایط مقبول اجتماعی به تحقق می رساند. (کاوه ۱۳۹۱، ۹۶۲ و ۹۷۳ : ۲).

شبیه سازی و مادر نیابتی

یکی از مسائل دیگری که امروزه نهاد خانواده را مورد تهدید قرار می دهد بوجود آوردن انسان بدون استفاده از شیوه های رایج تولید مثل و به گونه غیر جنسی است. غالب متدینان این روش را تهدیدی بر ضد کرامت انسانی قلمداد کرده و خواستار منع آن شده اند. این فناوری کاملاً جدید است و ما به ناچار کمی در این باره سخن خواهیم گفت زیرا از مشکلات خاص زمانه ما محسوب می شود.

در اخلاق زیست پزشکی شبیه سازی انسانی^۴ عبارت است از تولید موجودی مشابه نسخه اصلی به روشی غیر جنسی؛ شبیه سازی انواع مختلفی دارد که هر یک از احکام اخلاقی متفاوتی برخوردارند. دو نوع تقسیمی که در بررسی های اخلاقی این مسئله تاثیرگذار است، یکی تقسیم شبیه سازی به انسانی و حیوانی و دیگری تمایز گذاشتن میان شبیه سازی برای تولید مثل^۵ و شبیه سازی درمانی^۶ است. از شبیه سازی درمانی برای تولید بافت های انسانی یا برخی از اندام های کامل انسانی استفاده می شود. آن چه برای دنیای امروز مسئله آفرین بوده و به صورت معضل بزرگی درآمده است، شبیه سازی انسانی برای تولید مثل است، یعنی استفاده از شبیه سازی در تولید افرادی با ویژگی های کاملاً انسانی. این مسئله نگرانی های اخلاقی، دینی و اجتماعی بسیاری پدید آورده است. شبیه سازی انسانی در همه کشورها و از نظر تمام مجامع بین المللی ممنوع بوده و انجام آن، هم در حد آزمایشگاهی و هم در حد کلینیکی، هم برای بخش خصوصی و هم برای بخش عمومی نامشروع و غیر اخلاقی است. با این همه امکان علمی این مسئله فراهم بوده و ممکن است در آینده تلاش هایی جهت تحقق آن صورت پذیرد. مخالفان شبیه سازی اشکالاتی را مطرح کرده اند که از جمله آنها می توان به موارد مذکور اشاره کرد: تصور عمومی این است که احتمال سوءاستفاده از این تکنولوژی فراوان است و با عمل شبیه سازی می توان افرادی شبیه به هم تولید کرد که از قبل برای کارهای اجتماعی خطرناک یا ضد امنیتی برنامه نویسی شده اند. درمقابل مدافعان شبیه سازی پاسخ می دهند هر چند دلمشغولی های امنیتی شبیه سازی نگرانی معقولی

^۴ - human cloning

^۵ - Reproductive cloning

^۶ - Therapeutic cloning

است، ولی ناامنی درجات و مراتب مختلفی دارد؛ مادری هم که به طور طبیعی حامله می شود امنیت خود و حتی فرزند خود را به خطر می اندازد. باید پرسید که این خطر و ناامنی به چه میزان و در چه سطحی مطرح است. بنابراین عنوان عام ناامنی نمی تواند دلیل خوبی برای مخالفت با شبیه سازی باشد. می توان با اطمینان بخشی از طرق مختلف از جمله کنترل و بازرسی های دقیق، نگرانی های موجود را از ناامن و خطرناک بودن شبیه سازی انسانی برطرف کرد. اشکال دوم اینکه در این فرایند نقش پدر حذف می شود و با این کار آسایش و رفاه بچه شبیه سازی شده به خطر می افتد. و از طرفی ایجاد ابهام در روابط فامیلی و برهم زدن ساختار طبیعی خانواده را به بار خواهد آورد و موجب بی هویتی فرد شبیه سازی شده را فراهم می آورد. همچنین ممکن است مسئله نکاح و ازدواج که یک امر طبیعی است تدریجا برچیده شود و نظام خانوادگی مختل گردد. اما باید پرسید به صرف یک ممکن می توان حکم حرمت به یک تکنولوژی جدید داد. (اسلامی، ۱۳۸۶: ۵۱۴) مدافعان در پاسخ این اشکال می گویند زندگی افرادی که در شرایط خاص شبیه سازی شده تولد یافته اند، می تواند به اندازه زندگی بسیاری از کسانی که به طور طبیعی متولد می شوند ارزشمند باشد؛ وگرنه باید گفت والدینی هم که در شرایط سخت اقتصادی به سر می برند و فقیرانه زندگی می کنند حق بچه دار شدن ندارند. بچه هایی که در این شرایط پا به عرصه وجود می گذارند هر چند ممکن است دشواری را سپری کنند، اما زندگی آن ها مانند سایر انسان ها ارزشمند است. اشکال دیگری که وجود دارد نقض کرامت انسانی است. برخی دستکاری در روند طبیعی تولید مثل انسانی را ناقض شرافت انسانی می دانند. برخی به غیر اخلاقی بودن کپی برداری از ژن انسانی که به تولید انسان ها ی همسان منجر شود را مطرح می کنند. گروهی هم با رویکرد کانتی و وظیفه گرایانه به استفاده ابزاری از انسان حمله می کنند و می گویند این کار منزلت انسانی را تا حد حیوانات آزمایشگاهی تنزل می دهد. از طرفی از نظر اخلاقی همه انسان ها با هم برابرند و نباید انسان ها به دو گروه درجه اول و درجه دوم تقسیم شوند که گویا در این کار می شوند. در پاسخ طرفداران شبیه سازی می گویند چرا لقاح برون رحمی را ناقض کرامت انسانی نمی دانید؟ چنان چه منظور از نقض کرامت انسانی پایین آوردن شان و منزلت انسان تا حد خوکچه های هندی یا موش های آزمایشگاهی باشد؛ در پاسخ باید گفت آن چه از نظر اخلاقی ناقض کرامت انسانی به شمار می رود، رعایت نکردن اصول و ضوابط اخلاقی مسئله است. اشکال دیگر اینکه جسم انسان امانت الهی است. همانطور که ما حق تصرف در ملک دیگران را نداریم نباید در بدن خود و دیگران نیز تصرف مالکانه داشته باشیم. اشکال پایانی اینکه عملیات شبیه سازی نابودی جنین های بسیار را باعث می شود.

پاسخی که طرفداران شبیه سازی می دهند این است که تخمک های بارور شده آزمایشگاهی هنوز فاقد حد نصاب شخصیت انسانی اند و در نتیجه از شأنیت اخلاقی برخوردار نیستند. خلاصه آن که این تکنولوژی هنوز در موارد انسانی آزمایش نشده و دانشمندان نیز احتمال بروز آسیب های جدی زیستی را ناممکن نمی دانند؛ و هنوز قراین و شواهد اطمینان بخشی مبنی بر دستیابی جامعه بشری به تعهد اخلاقی لازم برای به کارگیری این تکنولوژی و سوسه انگیز سراغ نداریم. شکی نیست که بهره گیری از برخی ابزارهای کارآمد و موثر نیازمند سپری کردن پیش نیازهای فرهنگی - تربیتی ویژه ای است که تضمین کننده استفاده بخردانه از آن ابزارها، توأم با مهارت های پایه و اهداف شرافتمندانه باشد. (اسلامی، دبیری و علیزاده، ۱۳۸۸، ۱۴۹)

دانشمندان همچنین بر روی فرایندهای دیگری، همانند تولید مثل مصنوعی تلاش می کنند؛ تخمک های بارور شده انسان را در رحم های مصنوعی یا حیوانات می کارند که بعدها از آن ها متولد خواهد شد. از آن جایی که این شیوه ها در مورد انسان تاکنون هرگز موفق نبوده است، لازم نیست ما در حال حاضر درباره کاربردها و مشکلات اجتماعی آن نگران باشیم. با این همه، آن طور که مارگریت ایشلر^۷ اظهار کرده است، ما باید نگران مشکلات تلقیح مصنوعی و افزایش تکرار چیزی باشیم که به طور اشتباه "مادری نیابتی" نامیده شده است.

مادری نیابتی یک اصطلاح گمراه کننده است؛ چون به طور تلویحی نشان می دهد که چنین مادری از طرف مادر واقعی، چنین کاری را انجام می دهد. در بسیاری از موارد قضیه از این قرار نیست. نوعاً یک زن (معمولاً زن فقیر) با زوجی قرارداد می بندد تا خودش را در معرض تلقیح مصنوعی قرار دهد و هنگامی که فرزند او به دنیا آمد، از حقوق مادری اش دست بکشد. بنابراین، بچه اش را به پدر خونی و همسر او بدهد. معمولاً چنین پدری پولدار است؛ چرا که او نوعاً بین ۵۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ دلار در قبال این کار به زن مذکور می پردازد. درباره حقوق قانونی طرفین چنین قراردادهایی، درگیری هایی پیش می آید. بارزترین نمونه آن مورد مشهور «Baby M» است. مادری که او را زاییده بود، نظر خود را تغییر داد و از پذیرش دستمزد برای نوزادش امتناع کرد و سعی نمود او را نزد خود نگاه دارد. سرانجام، دادگاه او را ملزم ساخت تا کودک را به پدر و همسرش بسپارد. تکنیک های تولید مثل نوین، سه جنبه از جوانب والدینی را متمایز ساخته است که به طور طبیعی لازم و ملزوم یکدیگرند: ۱. والدینی که تخمک ها و اسپرم از آن ها گرفته شده است؛ ۲. مادری که رحم او نطفه را دریافت

^۷-Margrit Eichler

کرده و تا تولد حمل می کند؛ ۳. اشخاصی که به مثابه والدین اجتماعی عمل کرده و بچه را تا هنگام بزرگ شدن سرپرستی می کنند. اگر چنین توافق های قراردادی مجاز شوند، مطمئناً این شیوه متداول تر می شود و تعاریف قانونی جدیدی باید ارائه شود تا حقوق و وظایف افرادی را که در جنبه های مختلف نقش والدین را دارند، شرح دهد. علاوه بر این، بسیاری از اشخاص دیگر با چنین روابط قراردادی تحت تأثیر قرار می گیرند؛ از جمله شوهر، فرزندان دیگر، والدین مادر "رحمی" و همین طور اقوام والدین اجتماعی. همچنین حقوق کودک باید تحقق یابد، تا این زمان پزشکانی که تلقیح مصنوعی یا تلقیح در لوله آزمایش را انجام می دهند، به ثبت مشخصات اهدا کنندگان تخمک ها و اسپرم ملزم نبودند. این کودک شاید بعدها به مرضی مبتلا شود که بررسی پیشینه ژنتیکی را ضروری می سازد. ولی احتمالاً این کار ممکن نباشد. از این گذشته، همان گونه که کودکان فرزندخوانده وقتی بزرگ شدند، اغلب امیدوارند والدین ژنتیکی خود را پیدا کنند، کودکان متولد شده به وسیله شیوه های جدید نیز شاید به پیدا کردن مادران رحمی شان و همین طور اهدا کننده تخمک یا اسپرمی که از آن شکل گرفته اند مایل باشند. (اسپنسر، ۱۳۸۳: ۹۲)

نتیجه گیری

تلاش این مقاله طرح سوالی مبنی بر نحوه مواجهه خانواده دیندار با چالشهای دنیای مدرن و کنکاش در ارائه پاسخ مناسب به آن بود. علم و دین هر یک بطور جداگانه برای معضلات انسانها راه حل هایی ارائه می دهند. اما کسانی هم هستند که بخواهند همزمان از هر دو معرفت مذکور بهره مند شوند. بطور کلی پیرامون رابطه علم و دین چهار دیدگاه وجود دارد: الف/ علم و دین دو شیوه بیان یک واقعیت اند؛ ب/ علم تایید کننده دین است؛ ج/ علم و دین مکمل یکدیگر هستند؛ د/ علم و دین ناسازگارند. همچنان که در متن مقاله بررسی شد تئوری مکمل بودن علم و دین به صواب نزدیک تر است. این مطلب در حوزه الاهیات عملی به تفصیل مورد بررسی قرار می گیرد.

در مقطع زمانی کنونی مناسب است تربیت الاهدان عملی در دستور کار مراکز تصمیم گیرنده فرهنگی جامعه قرار گیرد. دو وظیفه الاهدان عملی بر اساس روش کمی و تجربی است اما در روش سوم از روشهای دینی بهره مند می شود و سپس راهکار عملیاتی ارائه می دهد. الاهدان باید به گفتگو میان مبانی دینی و دیگر رشته های علمی همچون روانشناسی، پزشکی، جامعه شناسی و... بپردازد. این گفتگو توصیه می شود زیرا برای فهم سیستمهایی که در درون سیستم های دیگر لانه کرده اند، یا برای فهم مشکلاتی که دارای ابعاد مختلفی هستند

توجه به دیگر رشته‌ها ضرورت دارد. پس از آن الاهدان با ارائه تفسیر الاهیاتی و تفسیر اخلاقی از آن موضوع ، "رفتار خوب" آن وضعیت را مشخص می کند. در این رویکرد فعل خوب امری معرفت شناختی تلقی می شود که می تواند به معرفتی بینجامد که آن معرفت، جز با رفتار خوب و تغییر دهنده حاصل نمی شود. در پایان رهبران دینی باید مدل های رفتاری را ارائه دهند. این نوآوریها شاید به شکست بیانجامد و موجب شک و تردید گردد. ولی این دوره را باید تحمل کرد؛ همین شکست ها و تجربه ها موجب تعمیق نگاه آنان می شود و افق های جدیدی فرا روی آنان باز می کند.

در این میان وظیفه الاهدان عملی بسیار سخت است زیرا از طرفی باید میان حوزه علم آکادمیک دینی و نهاد دین از یک سو، و میان آن دو و حوزه عمل عینی و اجتماعی از سوی دیگر، رابطه ای مشخص تعریف نماید. (بابایی ۱۳۹۰، ۱۲۰)

نکته بسیار مهمی که نباید از نظر دور داشت این است که فرد مومن در هر دورانی باید بتواند تعادلی بین دین و عقل پدید آورد به گونه ای که هم در چارچوب دین باقی بماند و هم با پیشرفت های اصیل جهان هماهنگ شود. برای نشان دادن تایید این نظریه که می توان دیندار ماند و درعین حال با زمانه هماهنگ بود به حدیثی از حضرت علی (ع) در نهج البلاغه اشاره می کنیم که طی هشدار تربیتی بسیار ریزینانه ای می فرماید: "فرزندانتان را بر آداب خود و اندازید چه آنان برای روزگاری جز روزگار شما آفریده شده اند". این حدیث به ما می آموزد که می توان در روزگار جدید زندگی کرد ولی از چهارچوب دین خارج نشد.

پیچیدگی های دنیای مدرن ما را نیازمند الاهدان عملی کرده است؛ اندیشمندانی که از تمامی امکانات موجود شامل منابع دینی، مستقلات عقلیه، مقاصد الشرایع، فلسفه فقه و... همچنین نظرات متفکران علوم جدیدی همچون روانشناسی و جامعه شناسی و علوم تربیتی و پزشکی استفاده کنند. به هر حال هر راه حلی برای این مسائل وابسته به چگونگی ترکیب ایمان دینی و عقل است و تفاوت در پاسخها منبعت از این موضوع خواهد بود.

**

منابع

۱- ابراهیمی دینانی، غلامحسین. ۱۳۷۷. *ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام*. جلد ۲. تهران: طرح نو.

- ۲- آذربایجانی، مسعود و موسوی اصل، سید مهدی. ۱۳۹۴. درآمدی بر روانشناسی دین. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۳- بابایی، حبیب الله. ۱۳۹۰. "درآمدی بر الاهیات عملی در اندیشه دینی مدرن". فصلنامه نقد و نظر. شماره ۶۱.
- ۴- باقری، خسرو. ۱۳۷۹. " تربیت دینی در برابر چالش قرن ۲۱ ". مجله تربیت اسلامی.
- ۵- بنی سی، پری ناز. دلفان آذری، قنبرعلی. ۱۳۸۷. مهارت های زندگی. تهران: سفیران اردهال.
- ۶- خزاعی، زهرا. و جمعی از نویسندگان. ۱۳۸۹. جستارهایی در اخلاق کاربردی. قم: دانشگاه قم.
- ۷- کاوه، محمد. ۱۳۹۱. آسیب شناسی بیماری های اجتماعی. جلد اول. تهران: جامعه شناسان.
- ۸- اسلامی، سید حسن. ۱۳۸۶. شبیه سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- ۹- رمضان، رضا. ۱۳۸۷. آرای اخلاقی علامه طباطبایی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۰- رحمت پور، رحمت. ۱۳۷۰. فردگرایی. مجله فرهنگ. شماره ۹.
- ۱۱- جوادی، محسن. ۱۳۸۷. مجله مقالات و بررسیها. فلسفه و کلام اسلامی. شماره ۱۰۰.
- ۱۲- سالار زانی، امیرحمزه. عبدالله فتوحی. ۱۳۸۹. " تحقیقی پیرامون تجزی اجتهاد ". مجله ندای اسلام. شماره ۴۱.
- ۱۳- فصیحی، امان الله. ۱۳۸۷. نیاز جامعه مدرن به دین؛ با تاکید بر حقوق و اخلاق. مجله علوم سیاسی. شماره ۴۲.
- ۱۴- الطایی، سرمد. " نگاهی به کتاب مقاصد الشریعه ". ترجمه زاهدویسی. قبسات. شماره ۱۸.
- ۱۵- طوسی، خواجه نصیرالدین. ۱۳۶۷. کشف المراد شرح تجرید الاعتقاد. شرح حلی. ترجمه شعرانی. تهران: اسلامیه.
- ۱۶- مصباح، محمد تقی. ۱۳۷۶. دروس فلسفه اخلاق. تهران: اطلاعات
- ۱۷- عابدی شاهرودی، علی. مصطفی ملکیان. محمد صادق لاریجانی، سید مصطفی محقق داماد. ۱۳۷۶. " فلسفه فقه در نظرخواهی از دانشوران ". فلسفه، کلام و عرفان. نقد و نظر. شماره ۱۲.

- ۱۸- میتز، استیون. سوزان کلوج. ۱۳۸۶. "جایگاه خانواده در غرب". ترجمه مرتضی مداحی. مجله معرفت. شماره ۱۱۶.
- ۱۹- طوسی، خواجه نصیرالدین. ۱۳۶۷. کشف المراد شرح تجرید الاعتقاد. شرح حلی. ترجمه شعرانی. تهران: اسلامیه.
- ۲۰- لوی، آریل. وتیم کسر. ۱۳۸۸. تاثیر فمینیسم بر دختران در غرب. ترجمه رضوی، میر اسلامی، پور علمداری. قم: معارف.
- ۲۱- فضل الله، سید محمد حسین. "فقه و شریعت از دریچه مقاصد"، پدید آورنده مجید مرادی، در ۱۳۹۲/۲/۲۰ (www.hawzah.net)
- ۲۲- اسپنسر، متا. ۱۳۸۳. "جایگاه خانواده در غرب". ترجمه محمدی ویوسف زاده. مجله معرفت. شماره ۸۰.
- ۲۳- اسلامی، محمد تقی. واحمد دبیری، مهدی علیزاده. ۱۳۸۸. اخلاق کاربردی / چالش ها و کاوش های نوین در اخلاق عملی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی.
- ۲۴- هاروی، ون آستن. ۱۳۹۰. فرهنگ الاهیات مسیحی. ترجمه جواد طاهری. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Pattison, Stephen. ۲۰۰۷. *The Challenge of Practical Theology*. Jessica kingley phblisher.

**